

مربیان و بازسازی نسل جوان

مقدمه

دکتر علی قائمی

آن کس که دارای فرزند می‌شود باید به این نکته توجه کند که تنها خانواده نیست که نسل را می‌پروراند، بلکه عوامل بسیاری دست‌اندرکار ایجاد تغییر و تحول در فرزندند، مثل دوستان، معاشران، خویشان و بستگان، وسایل ارتباط جمعی، حتی در مواردی دیدن صحنه‌هایی از



رفتار مردم، حیوانات و...

این عوامل گاهی رشد آفرین‌اند و زمانی خطر آفرین. این مهم است که در همه حال مراقب باشیم تا موجبات لغزش و انحراف نسل فراهم نیاید، زیرا در مواردی اگر خطری پیش آمد و فردی لذت گناهی را چشید و بدان عادت کرد، امکان بازگشت و رهایی او بسیار اندک است و حتی از دید آسیب‌شناسان، انحراف پس از رفع و اصلاح قابل بازگشت است (آسیب‌ها و عوارض اجتماعی).

در هر مرحله از تربیت سه مسئله را باید مدنظر قرارداد: زمینه‌سازی مداوم برای رشد، توجه دادن دائم به ارزش‌ها و قداست‌ها، آراستگی به عفاف در همه زمینه‌های سقوط، مثل عفت در سخن، عفت در شکم، عفت در نگاه، عفت جنسی و...

ضرورت بازسازی

یک کودک، نوجوان یا جوان در مسیر رشد و کمال است و مربی آگاه و پدر و مادری دلسوز در کنار او هستند و سعی دارند او را بسازند و به عمل آورند و وارد جامعه‌اش کنند. اما او در مسیر رشد، بنا به عللی از خط و مسیر خود دور و منحرف شده، به وادی انحراف می‌افتد. دوستان ناباب و عوامل فریبنده حقایق را وارونه جلوه داده، او را به جلب لذات زودگذر و صدمه آفرین می‌کشانند. اینک چه باید کرد؟ آیا باید اجازه داد که مسئله هم چنان ادامه یابد و فرزندان ما در انحراف باقی بمانند؟

بی‌شک در چنین وضع و حالی نباید متوقف ماند. وظیفه ما بازسازی و برگرداندن این واگن بر روی ریل اصلی است. اما چگونه باید به این امر اقدام کرد؟ در این زمینه توجه به دو نکته

ضروری است:

۱- بازسازی در هر مرحله از عمر (کودکی، نوجوانی، جوانی) با مرحله دیگر متفاوت است.

۲- به هر میزان که بر سن و بر مدت انحراف پیش‌تر بگذرد، امکان بازسازی، کم‌تر است. ما در مقالات دیگر خود متذکر شده‌ایم که رابطه‌ای است معکوس بین سن و تربیت‌پذیری.

اصول بازسازی

ما فعلاً اصول بازسازی در کودکان را فرو می‌نیم، زیرا در این عرصه هم شیوه‌ها متفاوت‌اند و هم نوشته‌هایی بیش یا کم وجود دارد (مثل کتاب تربیت و بازسازی کودکان، تألیف نگارنده) و به نوجوان و جوان می‌پردازیم که نوشته‌ها در این زمینه اندک‌ترند.

۱- شناخت انحراف و منحرف:

غرض این است که اگر درد و بیمار شناخته نشوند امکان اصلاح و درمان نخواهد بود. در این عرصه نیازمند آنیم که ببینیم با چه نوع از انحراف سروکار داریم، زیرا هر انحرافی به گونه‌ای خاص قابل رفع و درمان است. ماهیت انحراف، کیفیت آن، فراوانی آن در جامعه، ریشه‌ها و منشاهای آن و... باید جست و جو و شناخته شوند. هم چنین باید دانست که فرد منحرف کیست؟ پسر است یا دختر؟ در چه سنی است؟ در خانه دچار چه کمبودها و نارسایی‌هاست؟ با چه سرخورده‌گی‌هایی مواجه است؟ آیا با پدر و مادر اصلی زندگی می‌کند؟ با چه افرادی در ارتباط است؟ چه انگیزه‌هایی او

که قائل به چنان ارزشی هیچ گاه خود را پست و کوچک نمی‌کند و مقدسات خود را زیر سؤال نمی‌برد. آن کس که خلاف عرف و خلاف مذهب تن به گناه و انحراف می‌دهد، در واقع شخصیت خود را در نزد جمع پوچ و بی‌ارزش می‌انگارد و از نگاه‌های تحقیرآمیز درباره‌ی خود احساس شرمساری ندارد.

۳- مسئله خودارزشمندی:

این مهم است که از طریق تذکر و القا و هم‌از طریق کیفیت برخوردها به فرزندان نشان دهیم که: تو وجودی گرانبقدر و با ارزشی و بهای وجودی تو بهشت است (نهج البلاغه). تو حق نداری آن را ارزان معامله کنی. ارزش‌هایی که در این عرصه باید به او القا شود، بسیار و از آن جمله‌اند:

- ارزش آفرینش و خلقت خود که توانست در جریان خواست و حبّ خدا قرار گیرد و در ردیف آفریده‌های او وارد جهان هستی شود.

- ارزش وجود او که گفتیم معادل بهای بهشت است. الا وان لیس لابد انکم ثمن الا الجنة. فلا تبیعوها بغیرها. هشدارید که برای بهای وجودتان چیزی جز بهشت نتواند بود. خود را جز بدان بها نفروشید.

- ارزش بدن و سلامت و قدرت آن، استقامت و مهارت آن، زیبایی و برازندگی‌های آن، ارزش تحمل بدن در برابر سختی‌ها و شدائد و...

- ارزش غرائز و مخصوصاً غریزه جنسی که عامل تداوم حیات، شوق به زندگی و بروز و پدیدآیی زیبایی‌ها و هدیه‌ی الهی به بشر است و آن را نباید به دامن آلوده‌ای ریخت.

- ارزش امیال و هوس‌ها که انگیزه سازند و

را به این دام کشانده است؟ نقاط ضعف او چیست؟ نقاط قوت او کدام است؟ شرایط اراده و عاطفه او چگونه است؟ و...

در همه حال شناخت‌ها، ریشه‌یابی‌ها و به تناسب نسخه پیچیدن‌ها، تصمیم‌گیری‌ها را عاقلانه‌تر و اقدامات را کارسازتر می‌سازد. به‌طور کلی اصل این است که ریشه‌های انحراف را بخشکانیم و کاری کنیم که انحراف دیگر جوانه نزنند.

۲- توجه دادن به ارزش‌ها:

چه بسیارند افرادی که تن دادن به انحراف در آنان ریشه در احساس کهنتری، بی‌ارزشی خود، یا عوامل مربوط به حیات دارد. ارزش‌ها اموری گرانبقدر یا باورهایی عمیق‌اند که ریشه در جان و هستی انسان دارند و اگر از نوع مذهبی باشند، مؤید به فطرت خدا آشنای آدمی‌اند (فطرة الله، آیه ۳۰، سوره روم) ارزش‌ها بسیار و از آن جمله‌اند:

- ارزش‌های اجتماعی چون توجه به خانواده، خویشاوندان، احساس تعلق نسبت به آنان، نظارت اجتماعی، پاک‌ی محیط، هدایت‌ها، ارزش انس، التزام به حرمت‌های اجتماعی و...
- ارزش‌های اقتصادی مثل احساس وظیفه درباره‌ی کار، تولید، ادای بدهی اجتماعی، حفظ و پاسداری از استقلال و شخصیت اقتصادی، انفاق و تزکیه مالی، تعاون با جامعه و...

- هم چنین ارزش‌های فرهنگی مثل توجه به علم، حیات فکری ارزنده، فلسفه‌داری در حیات و... یا ارزش‌های سیاسی مانند توجه به حکومت، احساس مسئولیت در برابر جریان‌ات، جنگ و صلح، آزادی و...

ولی از هم مهم‌تر توجه به ارزش خود است

حیف است که گلی زیبا به لجن افتد یا در برابر تندباد حوادث پرپر گردد. دختر آن قدر مورد عنایت و توقّع است که باید مشام جان خانواده آینده را معطر کند، درخشندگی و جلای او خانه را زینت بخشد و جاذبه و حرارتش کانون خانواده را گرم دارد. این خطاست که او را در چاه پستی اندازند و رونق و صفای انس ساز او را به فنا و فساد بکشانند.

۴- ارشادها:

پدران و مادران و نیز مربیان و مؤثران در تربیت را ضروری است که در خط ارشاد و هدایت خلق باشند و اصل هدایت یک وظیفه عمومی بدون در نظر داشتن نژاد و سن و طبقه است. مسئله امر به معروف و نهی از منکر برای همه مکلفان یک بار است و مسئولیت. این مهم است که افراد به شرایط و موقعیت خود توجه کنند و دریابند آنان را چه مسئولیت و تکلیفی است.

۵- القای نقدپذیری:

چه زیباست که آدمی فردی انتقادپذیر باشد و اگر از او نقدی شود، آن را با دیده منت قبول کند و اصلاح خویش را با نقد نقادان پاس دارد. این امر از همان دوران کودکی و بعد در نوجوانی باید تمهید شود. والدین و مربیان باید با عمل خود نشان دهند که خود هم افرادی کاملاً بی عیب نیستند و اگر به نقص و نارسایی خود پی برند حاضرند به رفع آن اقدام نمایند.

۶- القای مسئولیت در برابر پروردگار:

این مهم است که آدمی در شرایطی باشد که باورش شود خدایی هست، و او خالق و

آدمی را از جای بر می خیزانند و به سوی مقصودی جهت می دهند. لذا باید آن را در حصاری قرارداد، زیرا بیرون زدن شعله هایش خطر آفرین است.

- ارزش دانایی انسان، که جهل، بدبختی آفرین و عامل انحطاط است. بسیاری از قربانیان جامعه ما و دیگران قربانی جهل خویش اند و به همین خاطر خود را بی بها می پندارند.

- ارزش وضعیت خاص خود که شرایط عفاف و عزت داری برای پسران و دختران مهم و برای دختران مهم تر است. تعبیر اسلام درباره زن یا دختر، تعبیر گل (قول پیامبر) یا به زبانی دیگر، تعبیر ریحانه است (نهج البلاغه). بنابراین



نفس، داشتن عزت و اعتماد به نفس، دوری از پلیدی‌ها، با استفاده از این راه و طریق میسر است.

۸- ارائه نمونه‌های عالی رشد:

ایسن نیز شیوه‌ای است که حضرات معصومین - علیهم‌السلام - در مسیر سازندگی و بازسازی از آن زیاد استفاده می‌کردند. دیدار بزرگان، مجالست با صالحان، آگاهی از داستان رشد و به کمال رسیدن افراد بزرگ، در سازندگی و بازسازی نقش دارد. لذا والدین و مربیان و دستگاه‌های ارتباط جمعی در این عرصه وظایفی عظیم بر عهده دارند. شاهد و شهید و اسوه بودن رسول الله و ائمه معصومین، و نیز دست پروردگان زبده اسلام در این عرصه کارسازی دارد.

۹- آگاهی از فرجام آلوده‌ها:

هم چنین لازم است نوجوان از فرجام کسانی آگاه شود که در جریان زندگی قیده‌ها را گسستند و به هر پلیدی و انحرافی تن دادند. باید در نزدشان از گل‌های پرپر شده یاد کرد که به علت تزلزل در اراده، سستی در حفظ شرف و عفاف سقوط کردند. ذکر ریشه‌های این سقوط‌ها نیز مفید و مؤثر است. بی‌عفتی‌ها از کی در جامعه مد شد؟ توسط چه کسانی؟ چه عوامل استعماری دست‌اندرکار آن بوده‌اند؟ سرمایه‌داری بی بند و بار تا چه حد در دامن زدن به آن دست داشته است و ملت مسلمان چه شد که بازی خورد و دست از مکتب و عقیده خود کشید و رهسپار دیار انحطاط و پستی گردید؟

گرداننده جهان هستی است. او آدمی را آفریده و هم او برای بشر تکلیف و وظیفه معین کرده است، و آدمی در همه حال بنده اوست.

باید باورش شود که بنده است و بنده در برابر مولای خود باید پاسخگو و در برابر احکام و دستورها مطیع و تسلیم باشد. برای اوامر و نواهی پروردگار شأنی قائل باشد، به او توکل کند، از او مدد بخواهد، در درماندگی‌ها با او خلوت نماید، و حتی در راه او حاضر به ایثار باشد و از بذل جان و مالی که خدا به او عطا کرده، دریغ نرزد.

آری، برخی از افراد چنان به دام گناه می‌افتند که گویی پنداشته‌اند دیگر نه خدایی هست، نه معادی، نه حساب و کتابی و نه بهشت و جهنمی. باید به آنان تفهیم گردد که خدا هست، قیامت و معاد هست، بهشت و دوزخ وجود دارد و نمی‌شود که غیر از این باشد، زیرا در آن صورت آفرینش پوچ و بی‌حساب خواهد بود.

۷- استفاده از احساس سرفرازی نوجوان:

از مقدمات دوران بلوغ، توجه به خود یا به خود آمدن است. نوجوان در می‌یابد که وجودی عزیز و گرانبه‌است، برای خود شأنی، رتبتی و حیثیتی قائل است. دوستدار خویش است و از این که فردی او را مورد اهانت قرار دهد جداً نگران و به او بدبین می‌شود. این احساس در مواردی به غرور کشانده شده، او خود را مغرور می‌یابد (خود فریفته). این وضع و شرایط به درجه و میزانی است که می‌توان آن را پلی یا سکوی پرشی قرار داد و از آن طریق او را از تداوم راه انحراف بازداشت و به خط اصلی برگرداند. رغبت مدیریت بر خود، تسلط بر

۱۰- استفاده از عوامل جهت دهنده:

فراموش نکنیم که نسل برای پیشروی در حرکت نیاز به استارت دارد، محتاج عاملی تقویت کننده است و این همان مسئله‌ای است که در تربیت از آن به عنوان تشویق یاد می‌شود. این تشویق در چهره تحسین‌ها، ترغیب‌ها، تحریض‌ها و دادن جایزه و پاداش نمایان می‌شود.

اما در عالم تربیت هیچ امر و اقدامی نمی‌تواند معادل محبت باشد. محبت‌ها سازنده، جهت دهنده و رشد آفرین‌اند. در سایه محبت می‌توان دل‌ها را در گرو گرفت و روح‌ها را تحت نفوذ قرار داد، و این امر در دوران نوجوانی به همان درجه مورد توجه است که در دوران کودکی.

۱۱- استفاده از عوامل بازدارنده:

آری، اتومبیل وجودی ما در حال حرکت ممکن است با خطر تصادم و تصادف مواجه شود. در چنان صورتی نیاز به ترمز دارد یا به زبان تربیت، نیازمند تنبیه است و این تنبیه که باید به جا و عالمانه اجرا شود از مراحل تذکر، اخطار، توبیخ، ملامت، قهر، تهدید و... می‌گذرد تا در نهایت به ضرب خاتمه یابد. نقش آن در تشبیه همانند نقش داروست نسبت به غذا، که گاه‌گاه، آن هم در حال اختلال شدید باید تجویز شود.

۱۲- و نکاتی دیگر:

در این عرصه نکاتی دیگر قابل ذکرند که دامنه آن‌ها گسترده و ذکر هر کدام خارج از مرزی است که ما برای این اثر در نظر گرفته‌ایم. برخی از دیگر نکات مهم در این زمینه

عبارت‌اند از:

- استفاده از انس و صفا و محبت و مذاکره به جای اعمال فشار، چراکه تا فردی به امری قانع نشود بدان اقدام نکرده، یا دست از آن کار نخواهد کشید.

- برخورد‌های فرهنگی، استفاده از احساس و الایی شخصیت و بهره‌گیری از منطق و برهان در این عرصه به مراتب از دیگر روش‌ها مؤثرتر است. اعمال فشار و تهدید اگر در کوتاه مدت مشکلی را حل کند در دراز مدت سرنوشت ساز و کارساز نخواهد بود.

- اصل تدریج را در بازسازی از یاد نبریم که در نظام و سنت الهی رعایت می‌شود.

- خستگی فکری و یک نواختی زندگی را با تفریح، مطایبه، حرکت‌ها و جنبش‌های مفید، تمرین چالاکی و فرزی، گذران مناسب اوقات فراغت و ایجاد شادابی و تفریح از بین ببرید.

- تقویت فهم و اراده دو عامل مهم و سرنوشت‌ساز در پیش‌گیری از انحراف‌اند، پس از آن غفلت نکنیم.

- پسران و دختران با هم باید ساخته و پرداخته شوند، ولی کفه ترازو را به نفع دختران سنگین‌تر کنید که به نظر ما نقش زن در آینده‌سازی عفت و شرف جامعه چند برابر است.

- تذکرات گاه‌به‌گاه، عرضه نمونه‌ها و مدل‌ها در برخی اوقات، زمزمه‌های پدران و مادران و محبت‌های خالصانه همانند قطراتی‌اند که به تدریج می‌توانند استخر وجود جوان را پر کنند، بنابراین از آن نیز غافل نباشیم.